

تسه‌لان، **دخترک چینی**

چانگ تسه‌لان یک دختر زیبا و مهربان و فرمان‌بردار چینی است. او طبیعت را دوست می‌دارد و مثل تمام کودکان چینی در برابر تغییرات فصول حساس است. در بهار به آواز پرندگان جنگل گوش می‌دهد و همین که اولین روزهای گرم تابستان فرا می‌رسد بادزین خود را که از چوبی معطر ساخته شده است، بیرون می‌آورد و در پاییز وقتی می‌بیند که برگ‌های زرد درختان فرو می‌ریزد بی‌سبب غمگین می‌شود. در شعر چینی، پاییز معنای غم دارد اما از فرا رسیدن زمستان او دلش شاد می‌شود زیرا در این فصل برف می‌بارد و اندکی بعد سال نو آغاز خواهد شد.

تسه‌لان نام زیبایی است، به معنای گل معطر ثلثه، که در چین بسیار فراوان است؛ اغلب دختران چینی به نام گل‌ها یا گوهرهای قیمتی نامیده می‌شوند و چانگ نام خانوادگی اوست. تسه‌لان زندگی کوچک خانواده چانگ است. برادران بزرگتر او «پانگ» و «پویا» هیچ وقت با او بازی نمی‌کنند. او ترجیح می‌دهد با دختران همسال خود «کین‌تسه» بازی کند؛ بازی کین‌تسه خیلی شبیه به بازی گوی پردار دخترکان مغرب چین است.

اما چینی‌ها خودشان این اسباب بازی را به سه پر خروس که به یک چیز کوچک سنگین می‌بندند می‌سازند و آن را به هوا پرتاب می‌کنند و با مهارت تمام با پای خود می‌گیرند و این کار را تکرار می‌کنند تا زمانی که دیگر نتوانند آن را با پا بگیرند. تمام دختران کوچک چینی در این بازی مهارت خاصی دارند و هنگامی که پسرپیشه‌ها به توپ بازی می‌پردازند دختران نیز کین‌تسه بازی می‌کنند.

آقای چانگ زارعی است که در ایالت «هانکنو» کنار شط «آبی» در مرکز چین زندگی می‌کند. او برای اینکه معاش افراد زیاد خانواده خود را تأمین کند مجبور است خیلی کار کند؛ خانواده او محدود به زن و بچه‌هایش نیست، بلکه طبق رسوم چین شامل پدر و مادربزرگ هم است. رسم دیگری دارند که مطابق آن برای کودکان در سه سالگی و ده سالگی و سیزده سالگی و بیست سالگی جشن می‌گیرند؛ این چهار جشن مراحل مهم زندگی جوانان را نشان می‌دهد. در سه سالگی کودک دیگر بچه شیرخواره نیست؛ در ده سالگی پسرپچه یا دخترپچه بزرگی می‌شود؛ در سیزده سالگی پسر جوان یا دختر جوانی می‌گردد و در بیست سالگی دیگر آدم بزرگی است. اما بزرگترین جشن خانوادگی آنها جشن عروسی است. در آن روز تمام خانواده حتی آنهایی را که خیلی دورند دعوت می‌کنند و گاهی مهمان‌ها ماه‌ها در جشن عروسی می‌مانند!

زمستان موقعی است که مردان استراحت می‌کنند. همسایگانشان به ملاقات آقای چانگ می‌آیند و با یکدیگر حرف می‌زنند یا شطرنج بازی می‌کنند. برعکس در این هنگام مادر خانواده برای خیاطی و تمییر لباس بچه‌ها و شوهرش کاملاً

سرگرم کار است؛ زیرا در هنگام بهار و تابستان در مزارع کار می‌کند و هیچ وقت به کار خیاطی نمی‌رسد. گاهی نیز خانم چانگ از دوختن لباس خسته شده به قلاب‌دوزی می‌پردازد؛ او در فکر جهاز دخترش است که به زودی به سن رشد می‌رسد. خود تسه‌لان هم در این کار به مادرش کمک می‌کند و پیوسته قلاب‌دوزی می‌کند و دستمال و کفش و کیف پول ابریشمی درست می‌کند. او چمدان کوچکی دارد که پر از چیزهایی است که خودش یا مادرش آنها را قلاب‌دوزی کرده‌اند، زیرا طبق رسوم چینی‌ها در روز عروسی باید آنها را به عنوان هدیه بین پسرعموهای شوهرش تقسیم کند.

در این فصل سرما اگر کتابخانه سیار، نزدیک خانه کودکان نیاید سخت اندوهگین می‌شوند. یک دوره‌گرد با دو صندوق پر از کتاب تمام آن سرزمین را دهکده به دهکده می‌پیماید و همین که به سر چهارراهی می‌رسد می‌ایستد و فریاد می‌کند: «که می‌خواهد بخواند؟» آنگاه همه کودکان با پول‌های خود به سوی او می‌دوند و چند کتاب از او کرایه می‌کنند. این کتاب‌ها شامل رمان و کتاب‌های تربیتی و مصور است و مردی که آنها را کرایه می‌دهد دو یا سه روز بعد برای جمع‌آوری

تسه‌لان با مادرش

این کتاب‌ها به خط چینی، که بی‌شک مشکل‌ترین خطوط دنیاست، نوشته شده است. شش سال به کلاس رفتن لازم است تا انسان بتواند قسمتی از چند هزار حرفی را که الفبای آنها را تشکیل می‌دهد بشناسد. شاگردان نخست با سه قلم‌های فلزی می‌نویسند و بعد با قلم مویی که آن را خیس کرده و در مرکب چین فرو می‌برند می‌نویسند.

کودکان خانواده چانگ مثل تمام کودکان چینی مؤبد و فرمان‌بردار هستند. آنها سالخوردگان و مخصوصاً پدر و مادر را بسیار احترام می‌گذارند و همیشه به کمک یکدیگر می‌شتابند.

در اولین روزهای بهار کودکان از خانه بیرون می‌آیند و انسان دیگر آنها را نمی‌بیند، زیرا با پدرانشان به جنگل و مزارع می‌روند. در همین موقع پیش از فرا رسیدن گرما برنج می‌کارند؛ برنج غذای اصلی چینی‌هاست. پس از چند روز برنج در باتلاقی‌هایی که برنج‌زار نامیده می‌شود می‌روید. در این موقع مردان چون زیاد کار دارند دیگر نمی‌توانند به خانه برگردند و تسه‌لان غذای آنها را که همیشه برنج نیز همراه آن است برایشان می‌برد و خودش نیز با قطعه چوب‌های نازک با آنها غذا می‌خورد، زیرا چینی‌ها مانند مردم کشورهای دیگر قاشق و چنگال به کار نمی‌برند. بعد از این روزهای خسته کننده کشت برنج، تسه‌لان روی تشکیلی که بر زمین گسترده است می‌خوابد و سر بر بالش کوچک گرد و سختی می‌گذارد و به خواب عمیقی فرو می‌رود.

شاید او داستان‌ها و افسانه‌هایی که پدرش برایش حکایت کرده است به خواب می‌بیند. پدر او در نظرش مهربان‌ترین و داناترین مرد دنیاست. او

جوان

داستان‌های ملل چین



داستان‌هایی از اژدها و جنگجویان و نیز قصه‌هایی از دختران زیباروی می‌داند که در آنها پند و اندرزهای فراوان نهفته است.

دختر جوان و حباب‌های آب

در روزگار قدیم پادشاهی بود که به دخترش بسیار مهر می‌ورزید و او را هیچگاه از نظر دور نمی‌داشت. یک روز که باران به شدت می‌بارید و در روی آب حباب‌های بسیاری پدید می‌آورد، دخترک از دیدن آنها شاد شد و به شاه گفت: «دلّم می‌خواهد از این حباب‌هایی که در روی آب پیدا

شده تاجی برای گیسوانم بسازم.» پادشاه گفت: «این حباب‌ها را نمی‌توان گرفتم. چگونه می‌شود با آن تاج ساخت؟» دختر گفت: «اگر من تاجی از این حباب‌ها نداشته باشم خود را خواهم کشت!»

شاه که این سخنان را شنید، ماهرترین جادوگران کشور را نزد خود فرا خواند و به آنها گفت: «شما آن قدر مهارت دارید که کاری نیست از دستتان بر نیاید، بنابراین فوراً حباب‌هایی را که بر روی آب است بگیرید و از آنها تاجی برای دخترم بسازید؛ اگر نتوانید سر همه شاهما را خواهید برد!»

جادوگران گفتند: «ما قادر نیستیم این حباب‌ها را بگیریم و تاج بسازیم.»

اما پیر مرد صنعتگری که در میان آنها بود گفت: «من می‌توانم این حباب‌ها را بگیرم!» پادشاه خوشحال شد و به دخترش گفت: «مردی را پیدا کردم که برای تو تاجی از این حباب‌ها خواهد ساخت، خودت پیش او برو تا ببینی چه خواهد کرد.»

دختر پیش پیرمرد رفت تا ببیند تاج او را چگونه می‌سازد. آن وقت صنعتگر پیر به او گفت: «من

بود که چیزی بر سر نداشت زیرا در زمان‌های قدیم اژدهایان طاس و بی‌شاخ بودند و این اژدها به خروس حسد می‌برد و سال‌ها بود که آرزو می‌کرد شاخ‌های خروس را روی سر داشته باشد تا بتواند او نیز داخل بهشت شود.

در یکی از روزهای زبیا که خروس به آهستگی در کوهستان گردش می‌کرد به اژدها برخورد کرد و اژدها به او هزاران لطف و محبت نمود و آنها به زودی با یکدیگر دوست شدند. گاهی خروس رفیق خود را ترک می‌کرد تا چند روزی به بهشت برود و اژدهای کینه‌جو و حسود در این هنگام نقشه‌های سیاهی در سر می‌پرورانید.

روزی در موقع غروب آفتاب اژدها به خروس گفت:

– دوست عزیزم تو خیلی خوشبختی که می‌توانی در بهشت گردش کنی. اما من بیچاره بدبخت محکوم هستم که در تمام مدت زندگی‌م در این غارهای تاریک زندگی کنم. بیا همدن کن و امشت شاخ‌هایت را به من قرض بده تا من هم گردش کوچکی در آسمان‌ها بکنم و زود برگردم.

خروس از اینکه می‌توانست موجب شادی اژدهای بیچاره گردد بسیار خوشحال شد و بی‌تأمل شاخ‌هایش را به او قرض داد و به انتظار بازگشت اژدها یک روز صبر کرد ولی خبری از او نشد. پیش خود فکر کرد که شاید در آسمان، دینز زیبایی‌ها و تفریحات بی‌شمار او را از آمدن باز داشته است اما سرخراگ فردا باز گو باز نگشت. صبح روز سوم باز منتظر شد اما انتظارش بی‌نتیجه بود و روزهای بعد نیز بیهوده منتظر ماند.

اژدها با شاخ‌های خروس موفق شده بود به بهشت راه یابد و دیگر به فکر بازگشت نبود و به دوست بدبخت و منتظرش هم هیچگاه فکر نمی‌کرد. در موقعی که اژدها در بهشت، خوشبخت زندگی می‌کرد، خروس هر روز وقتی که اولین روشنائی سحر می‌دیدم فریاد برمی‌آورد و اژدها در صدا می‌کرد و می‌گفت: «کوکوکو کوکو، کوکوکو کوکو.»

آدم و گاو نر

پیش‌ترها آدم در بهشت زندگی می‌کرد و از شکوه و زیبایی زندگ بی‌غم آسمانی و بهار جاودانی و دنیای روشن و درختان لذت می‌برد.

افسوس! در این دنیای آرام و راحت کم کم اندوه به دل آدم راه یافت و به فکر فرو رفت. اولین فکری که به خاطرش آمد این بود که زندگی‌اش در آسمان یکنواخت است؛ و از خود پرسید وقتی در بهشت کاری نباشد، این دو دست او به چه کار می‌آید. با این فکر پیش خداوندگار آسمان‌ها رفت و افکار خود را با او در میان گذاشت. اما خداوند از این تهور و جسارت او به خشم و غضب آمد.

گردانندگان بهشت می‌ترسیدند که مبدا این فکر به دیگر ساکنان آنجا سرایت کند و نتها آدمیان بلکه جانوران و گیاهان نیز به این خیال بیفتند؛ آن وقت نظم و آرامش بهشت چه خواهد شد؟

خداوند به فکر افتاد که مبدا فکر این مرد به دیگر رعایای بهشت سرایت کند؛ بنابراین او را از بهشت اخراج کرد و به زمین فرستاد و به او گفت: «حال که تو این قدر از ماندن در اینجا ناراضی هستی بهشت را که جای تو نیست ترک کن و برای معاش خود از دست‌هایت استفاده کن.»

بنابراین آدم را به زمین فرستادند و او در یک دنیای ناشناس که تمام امورش برخلاف میل او بود تنها و بی‌کس شروع به زندگی کردن نمود و فهمید که باید با تمام قوای خود برای زیستن کوشش کند و به چیزی جز اراده و دو دشتش اعتماد نکند. او با کمال افسوس به بهشتی که بر اثر خطایش از دست داده بود اندیشید و به خود گفت: «چرا چنین کردی؟ آیا فکر می‌کنی که دو دست تو در عوض آنچه از دست داده‌ای برایت کافی است؟

آدم مجبور شد شب و روز کار کند. با گرسنگی و خستگی آشنا شد و جز چند ساعت در شب نمی‌خوابید. اما سخت‌ترین مجازاتی که برایش تعیین شد این بود که مجبور بود هر ده روز یک بار غذا نخورد.

آیا برای این آدمی که با این شدت برای زندگی می‌جنگد هیچ ترحمی موجود نیست؟ تمام ساکنان آسمان به او ترحم می‌کردند. گاو نر با حال تأثر رفت و در برابر خشم خداوند آسمان ایستادگی کرد و گفت: «خداوندا! از تو تقاضا می‌کنم که آدم را ببخشی و به تنبیه او پایان دهی. بین چگونه هر روز با وجود سرما و گرسنگی و خستگی زحمت می‌کشد. رحم کن و به من اجازه بده که خبر بخشایش تو را برایش بپرسم.»

خداوند که از این همه تضرع متأثر شده بود این پیششهاد جوامردانه را پذیرفت و حتی راضی شد و اجازه داد که انسان بتواند هر سه روز، یک بار غذا بخورد.

گاو شانان به سوی زمین رفت تا بدبختی دوستش را تسکین دهد و به او گفت: «برادر شاد باش، خداوند تو را بخشیده و اجازه داده است که سه بار در روز غذا بخوری.» خداوند وقتی فهمید که گاو به جای یک وعده غذا در سه روز اجازه سه وعده غذا در یک روز را به انسان داده است بی‌نهایت خشمگین شد و هنگامی که گاو به آسمان برگشت به او گفت: «به همان جایی که رفته بودی برگرد. تو خودسرانه به انسان اجازه دادی که در روز سه وعده غذا بخوری. برو با او زندگی کن و به او کمک کن تا بتواند آنچه را می‌خواهد به دست آورد.»

خداوند با لطف بسیار خاطره این دوست موفقا را که یادگار او پس از سالیان دراز هنوز بر جای مانده و خود در کنار گوار اجداد آدمیان به خاک سپرده شده است برای نوادگانش حکایت می‌کند.

حکایت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۸۱۳-۳۱۱۹۸۰۰۰۰۱۳۹۴۶ مورخ ۹۴/۶/۴ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ متقاضی محمدحسین قنبری فرزند قنبر به شماره شناسنامه ۶۳۴۵ صادره از زرگان در یکباب دامداری به مساحت ۲۴۴۵/۲۱ مترمربع پلاک فرعی ۲۷۷ از اصلی ۲۳۹۷ واقع در بخش سه زرگان که جهت آن پلاک فرعی ۳۰۶۹ منظور گردید خریداری از مالک رسمی مهین بانو نمازی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۷

۲/۲۵۹۳/ م الف

رئیس ثبت اسناد و املاک زرگان
حسین علی بیگی

حکایت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۳۳۷۰-۳۱۱۰۰۰۳۲۷۰۱۳۹۳۶ مورخ ۹۳/۱۱/۲۱ هیأت سوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی اسماء فرهادی فرزند یکلامرضا به شماره شناسنامه ۹۰۹۰۲۲۸۴۴۴۱۰۰۹ صادره از شیراز در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۵۲/۵۷ مترمربع پلاک ۷۱۱۱ فرعی از ۱۷۹۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۲ فرعی از ۱۷۹۳ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز حصه مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۷

۲/۲۲۶۰/ م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز
حسین گرگین

حکایت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابـر آرای شـماره ۸۱۴-۳۱۱۹۸۰۰۰۰۱۳۹۴۶ و ۸۱۵- مورخ ۹۴/۶/۴ هیأت اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی ابراهیم قنبری فرزند مرتضی به شماره شناسنامه ۵۲۰۵ صادره از زرگان نسبت به چهار دانگ مشاع از ششدانگ و رحیم قنبری فرزند اکبر به شماره شناسنامه ۵ صادره از زرگان نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ در یکباب دامداری به مساحت ۱۵۴/۳۵ مترمربع پلاک فرعی ۲۷۷ از اصلی ۲۳۹۷ واقع در بخش سه زرگان که جهت آن پلاک فرعی ۳۰۷۰ منظور گردید خریداری از مالک رسمی مهین بانو نمازی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۷

۲/۲۲۵۹۴/ م الف

رئیس ثبت اسناد و املاک زرگان
حسین علی بیگی

حکایت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آرای شـماره ۲۵۲-۳۱۱۰۰۱۹۲۵۰ و ۱۳۹۴۶-۳۱۱۰۰۱۹۲۵۰ مورخ ۹۴/۷/۱۶ هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی خیرالنساء فلاح زاده ابرقویی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۹۸۰۸ صادره از ابرکوه در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۱۶ مترمربع پلاک ۲۰۷۶۵ فرعی از ۱۷۹۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۰۱ فرعی از ۱۷۹۲ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز حصه مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۷

۲/۲۲۶۰/ م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز
حسین گرگین

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۲۲۰۲۳۰۳۱۱۰۰۱۳۹۴۶ مورخ ۹۴/۸/۱۰ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی پیمان دادگر فرزند احمد به شماره شناسنامه ۱۰۴ صادره از جهرم در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۳۰۰ مترمربع پلاک ۵۴۴۲ فرعی از ۲۰۸۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۸۲ اصلی واقع در بخش ۴ شیریز خریداری از مالک رسمی سکینه جوکار محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۷
۲/۲۲۶۰/ م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرای شماره ۴-۳۱۱۰۰۱۰۳۰۶۳۹ و ۱۳۹۴۶-۳۱۱۰۰۳۰۶۳۹ مورخ ۹۴/۹/۱۷ و ۹۴/۹/۲۲ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضیان مجتبی گل نشین فرزند رضا و امید زارعی منوچان فرزند حسن هر کدام موازی سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۹۳/۴۹ مترمربع پلاک ۱۷۲۲ فرعی از ۲۰۷۶ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۶ فرعی از ۲۰۷۶ اصلی واقع در بخش ۴ شیریز خریداری از مالک رسمی محرمرضا دهقان خلیلی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۲۲
۲/۲۴۵۷۷/ م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین

حکایت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۲۵۲-۳۱۱۰۰۱۹۲۵۰ مورخ ۹۴/۷/۱۶ هیأت دوم

موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱

تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی خیرالنساء فلاح زاده ابرقویی

فرزند محمد به شماره شناسنامه ۹۸۰۸ صادره از ابرکوه در ششدانگ

یکباب خانه به مساحت ۱۱۶ مترمربع پلاک ۲۰۷۶۵ فرعی از ۱۷۹۳ اصلی

مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۰۱ فرعی از ۱۷۹۲ اصلی واقع در بخش ۴

شیراز حصه مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع

عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی

که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند

می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را

به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ

تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم

اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است

در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند

مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۷

۲/۲۲۶۰/ م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز
حسین گرگین